

جستار در برخی از مؤلفه‌های «مفهوم‌شناسی مرگ» در قرآن کریم

باقر لاریجانی^۱، مینا مبشر^۲، سمانه تیرگر^{۳*}، فرزانه زاهدی انارکی^۳، سوده تیرگر^۴، فریده شریعتی^۵،
بنفشه کریمی^۶، فاطمه میرزایی (لطفی‌آذر)^۷

مقاله‌ی پژوهشی

چکیده

مفهوم مرگ بسیار پیچیده است و وجود مباحث عمیق فلسفی، تمایزهای توصیفی و نیز گستردگی طیفی که در بیان‌ها وجود دارد، شناخت آن را دشوارتر کرده است. اگرچه این مهم برای تمام انسان‌ها ضروری است، برای فعالان حوزه‌ی طبابت با اهمیت‌تر است، چراکه با مصادیق گوناگون آن مواجه هستند و بسیاری از چالش‌های اخلاقی در مورد مباحثی چون مرگ مغزی، اتانازی و پایان حیات، در گرو معرفت روشنی از مفهوم مرگ است. از طرفی دیگر، دریافت مفهوم مرگ بحثی تجربی نیست و حیطة دست‌یازی علم پزشکی، شاید تنها ملاک‌یابی مرگ باشد. بر این اساس، پرداختن به شناخت مفهومی از مرگ، رویکردهای الهیاتی را می‌طلبد. لذا بر آن شدیم تا در مطالعه‌ای قرآن‌محور، به برخی از مؤلفه‌های «مفهوم‌شناسی مرگ» دست یابیم. این مطالعه به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی غیر سیستماتیک، با شیوه‌ی گردآوری و تحلیل اطلاعات و با استراتژی جست‌وجوی مفهومی در آیات موضوعی، مؤلفه‌های دوازده‌گانه‌ای را برای مفهوم‌شناسی مرگ ارائه می‌دهد. بدین ترتیب، راه ملاک‌یابی و مصداق‌شناسی مرگ از دیدگاه قرآن کریم را بازتر می‌کند، لذا پژوهش در این دو حیطة برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: مرگ، مفهوم‌شناسی، قرآن، خاتمه حیات، اخلاق پزشکی

^۱ استاد، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۲ استادیار، گروه اخلاق و تاریخ پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

^۳ پزشک عمومی، مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، پژوهشکده علوم بالینی غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

^۴ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث

^۵ کارشناس رشته‌ی فقه و اصول، دانشگاه امام صادق (ع)

^۶ دندان‌پزشک

^۷ پژوهشگر علوم قرآنی و اسلامی

* **نشانی:** تهران، خیابان کارگر شمالی، نرسیده به جلال آل احمد، بیمارستان دکتر شریعتی، طبقه‌ی پنجم، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم،

گروه اخلاق پزشکی، تلفن: ۰۲۷-۸۸۲۲۰۰۲۱، Email: s-tirgar@farabi.tums.ac.ir

مقدمه

در هندسه‌ی حیات ما قانونی فراگیر به نام مرگ وجود دارد^۱ که از پدیده‌های انکارناپذیر و مرموز محسوب می‌شود (۱). گاه مورد پرسش است^۲ و گاه حقیقت آن مورد انکار^۳، زمانی ترس‌آور^۴ و زمانی مورد تمنا و آرزو^۵. به علاوه، وجود مباحث عمیق فلسفی، تمایزهای توصیفی و نیز گستردگی طیفی که در بیان‌ها وجود دارد، شناخت مفهوم مرگ را پیچیده‌تر کرده است (۲). به هر روی، چگونگی نگاه به آن، نقش مهمی را در تعالی فرد ایفا می‌کند (۱). در این میان، شناخت مفهوم مرگ برای فعالان عرصه‌ی پزشکی و حرفه‌های وابسته اهمیت دو چندان دارد، چرا که مواجهه‌ی فراوانی با مصادیق گوناگون آن دارند (۳). هم‌چنین، چالش‌های اخلاقی زیادی در مواردی هم‌چون مرگ مغزی، اتانازی، سقط جنین و مباحث مربوط به پایان حیات مطرح است که به نظر می‌رسد روشن شدن مفهوم مرگ، شاه‌کلیدی برای رفع آن‌ها و رویارویی با مصادیق مرگ به‌شمار آید (۵). چراکه در بسیاری از موارد، بینش پزشک و نیز بیمار نسبت به مفهوم مرگ، بر عملکرد ایشان تأثیرگذار خواهد بود (۶). به‌عنوان نمونه، در بیمارانی که در آستانه‌ی مرگ هستند، عدم شناخت درست از مفهوم مرگ، موجب می‌شود به دلیل

رویاری با پدیده‌ای ناشناخته، دچار ترس شدیدی باشند. در مقابل، بینش صحیح باعث می‌شود چنین فردی، با دریافتن نزدیکی خداوند در لحظات مرگ، پایگاه امنی را بیابد که خود در تسکین او نقشی به‌سزا خواهد داشت (۱). بدین لحاظ، مواجهه با بیماران در آستانه‌ی مرگ و برنامه‌ریزی بهینه برای مراقبت‌های پایان حیات، توجه به بینش بیمار نسبت به مرگ را می‌طلبد (۷). هم‌چنین، مطالعات نشان می‌دهند که بینش دینی نسبت به مفهوم مرگ، برای بیمار در حال مرگ بسیار اثرگذار است (۸). در واقع، چنین بینش روشنی می‌تواند عشق بی‌قید و شرطی را نسبت به مرگ ایجاد کند و آن را به تجربه‌ای زیبا و تحول‌آفرین تبدیل کند (۷). این در حالی است که علم پزشکی به دلیل ماهیت تجربی آن، از ارائه‌ی مفهومی روشن از مرگ ناتوان است و حیطه‌ی دست‌یازی آن، شاید تنها در ملاک‌یابی مرگ باشد (۹، ۱۰، ۵). در حقیقت، جستار در مفهوم مرگ، بحثی الهیاتی است، نه تجربی (۱۱). لذا در این راستا، توجه به قرآن کریم که گنجینه‌ی بی‌بدیلی است و مفهوم مرگ را نیز به شیوایی تبیین نموده‌است، ضروری خواهد بود. هم‌چنان که مفسران حقیقی قرآن یعنی ائمه‌ی اطهار (ع) نیز همواره به تبیین آیات مرگ پرداخته‌اند و بر شناخت مرگ تأکید داشته‌اند. از نگاه ایشان، یافتن مفهوم مرگ - فی ذاته - نیازمند کسب علمی خاص نیست، چرا که امری نهادینه شده در تمام نفوس است که غبار فراموشی آن را پوشانده و درک آن تنها نیازمند یادآوری است (۱۲). لذا در روایات فراوانی به ذکر (یادآوری) مرگ توصیه شده‌است.

هم‌چنین، در نظر داشتن این نکته ضروری است که در مورد مسأله‌ی مرگ، سه حوزه قابل بررسی است: مفهوم‌شناسی (رویکرد انتولوژیک)، ملاک‌یابی (رویکرد اپیستمولوژیک) و مصداق‌شناسی (۳). در این میان، شناخت مفهومی، پیش‌درآمدی است برای ورود به دو حیطه‌ی دیگر، هم‌چنان که شناخت مفهوم، بدون پرداختن به دو بحث دیگر، ناکارآمد و ابتر خواهد بود.

^۱ قال علی علیه‌السلام: الْمَوْتُ لِكُلِّ غَالِبٍ.

^۲ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الصافات، آیه‌ی ۵۸: أَلَمْ نَخُنْ بِمِثْقَلِ ذَرَّةٍ مِّنْهَا مَا مَرَدَّ كَاتِبٌ؟

^۳ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی جاثیه، آیه‌ی ۲۴: مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا اللَّهُ، آن‌ها گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست؛ گروهی از ما می‌میرند و گروهی جای آن‌ها را می‌گیرند؛ و جز طبیعت و روزگار ما را هلاک نمی‌کند!

^۴ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۲۴۳: وَهُمْ أَلُوفٌ خَذَرُ الْمَوْتِ، شدت ترس از مرگ ایشان.

^۵ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۱۴۳: وَ لَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ، شما مرگ را آرزو می‌کردید.

اطلاعاتی، مقالات زیادی وجود دارد که به مفهوم مرگ پرداخته‌اند، لکن در این میان جای خالی مطالعه‌ای احساس می‌شود که:

ü بر روی مفهوم‌شناسی قرآنی مرگ متمرکز باشد.
ü با طراحی یک استراتژی جست‌وجو امکان کاوش نسبتاً وسیع و جامعی را در حوزه‌ی یاد شده به‌وجود آورد.

ü با استخراج برخی مؤلفه‌های قرآنی در حیطه‌ی مفهوم‌شناسی مرگ امکان ملاک‌یابی و مصداق‌شناسی مرگ را از دیدگاه قرآن کریم، به‌صورت نظام‌مند و منطقی فراهم کند.

لذا با در نظر گرفتن اهداف فوق و نیز با توجه به پایه‌ای بودن بحث مفهوم‌شناسی، بر آن شدیم تا در پژوهشی قرآن‌محور برخی از مؤلفه‌های مفهوم‌شناسی مرگ را کنکاش کنیم.

روش کار

این مطالعه به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی غیر سیستماتیک و با شیوه‌ی گردآوری اطلاعات انجام گرفت. بدین ترتیب که ابتدا با مروری بر مطالعات قبلی، کتب معرفتی و روایی و تفاسیر، کلیدواژه‌های قرآنی به‌منظور جست‌وجوی گسترده‌تر آیات مرگ در اختیار پژوهشگران قرار گرفت. (در شکل شماره‌ی ۱ با تفصیل بیش‌تری بیان شده‌است).

سپس آیات دربردارنده‌ی آن کلیدواژه‌ها جست‌وجو و عنوان‌بندی شد. پس از آن، آیات بر اساس عناوین انتخابی به گروه‌هایی تقسیم شدند و سعی بر آن شد تا با تمرکز بر معنی و موضوع ظاهری آیات، این گروه‌ها در هم ادغام و گروه‌های بزرگ‌تری ایجاد شوند. بدین‌وسیله مجموعه‌ای از آیات موضوعی در اختیار قرار گرفت که در زیر گروه‌هایی قابل انقسام بودند، از جمله: مفهوم مرگ، علت مرگ، آثار مرگ و مراحل مرگ. در این میان، آیاتی که به مفهوم‌شناسی مرگ مربوط بودند انتخاب شدند.

بررسی مفهوم مرگ در دیدگاه‌های غیر دینی با توجه به گوناگونی مکاتب آن، هدف این مطالعه نیست؛ ولی در دیدگاه‌های اسلام‌نگر، مطالعاتی وجود دارد که موضوع مرگ را از دیدگاه قرآن، نهج‌البلاغه و صحیفه‌ی سجادیه بررسی کرده‌اند. علوی در مطالعه‌ی خود، ویژگی‌های مرگ را از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه چنین برمی‌شمرد: همگانی بودن مرگ، همه‌جایی بودن مرگ، زمان خاص داشته مرگ، فرمان قطعی الهی بودن مرگ، شالمیت مرگ، جاودانه شدن به‌واسطه‌ی مرگ (برای شهدا)، ترس‌آور بودن مرگ (برای بدکاران)، قبض روح بودن مرگ (وفات بودن و نه فوت بودن مرگ) (۱۳). قنبری و مشایخی‌پور در مطالعه‌ای مفهوم مرگ را در نهج‌البلاغه مرور کرده‌اند (۱۴). دریابگی مفهوم مرگ را در صحیفه‌ی سجادیه بررسی کرده و نشان داده است که امام سجاد (ع) در ادعیه‌ی خود تصویرسازی روشنی از مرگ ارائه داده‌است (۱۵). هم‌چنین، در مکتوبات نویسندگان غیر ایرانی نیز مفهوم مرگ از دیدگاه مسلمانان مورد بحث قرار گرفته است. Sarhill و همکارانش بیان می‌دارند که از دیدگاه اسلام مرگ پایان نیست بلکه تنها انتقال میان دو نحوه از زندگی است (۱۶). Schultz مرگ را از دیدگاه مسلمانان چنین توصیف می‌کند: مرگ اجتناب‌ناپذیر است و تنها با یک فرمان از خدا رخ می‌دهد. مرگ حقیقتی است که نباید در برابر آن مقاومت کرد یا با آن مبارزه کرد، بلکه باید آن را به‌عنوان بخشی از طرح کلی خلقت پذیرفت. مرگ با تولد آغاز می‌شود. زمان وقوع مرگ مشخص نیست. لذا باید همواره برای رویارویی با آن آماده بود، چراکه با فرارسیدن آن امکان تأخیر انداختن وجود نخواهد داشت. مرگ بابی است برای گسترش یافتن حیات (۱۷). پژوهشگری از فیلادلفیا مرگ را، از نظر مسلمانان، انتقال روح از جهان مادی به دنیای غیر مادی می‌داند که در این هنگام روح ارتباط خود را با جسم قطع می‌کند (۱۸).

در مجموع، هم‌چنان که ملاحظه می‌شود، در منابع

به سیاق آیات مربوطه نیز توجه شد. سرانجام آیات به‌دست آمده، با هدف استخراج برخی از مؤلفه‌های مفهوم‌شناسی مرگ، مورد بازنگری و دسته‌بندی مجدد قرار گرفت.

در قدم بعدی، لغات اصلی آیات یاد شده، در لغت‌نامه‌های معتبر، مورد لفظ‌شناسی قرار گرفت و پس از آن جست‌وجو در تفاسیر آیات یاد شده آغاز شد. بدین ترتیب، معنی و تفسیر قرآنی لغات کلیدی جمع‌آوری شد. هم‌چنین، در حین بررسی



شکل شماره ۱ - مراحل اجرای مطالعه

لفظ‌شناسی مرگ

مرگ را در عربی، موت؛ در فرانسه، Mort؛ در انگلیسی، Death و در لاتین، Mors یا Mortis می‌گویند (۱۹). در لغت‌نامه‌ی دهخدا برای معنی مرگ چنین آمده‌است: فنای حیات، نیست شدن زندگانی، موت، وفات، اجل، از گیتی رفتن، مقابل زندگی. در فرهنگ معین مرگ به فوت، قطع حیات و از بین رفتن زندگی معنا شده‌است.

مرادفات قرآنی مرگ

در عرب، واژه‌های مختلفی به‌معنای مرگ آمده‌است؛ از جمله: موت، أجل، منیه، وفات، جمه، ذعفان، شعوب، عبول، فَنَع، فَوْظ، فَيْظ، مُوت، حَتَف و... (۲۰). سه ریشه‌ی قرآنی برای مرگ عبارتند از: موت، وفی و أجل. این ریشه‌ها تفاوت‌هایی در معنی حقیقی دارند. در این‌جا به معانی این سه ریشه و برخی از تفاوت‌های آن‌ها اشاره‌ای خواهیم کرد.

موت

مَوْت در لغت به‌معنای مرگ است (۲۱). برخی گفته‌اند که موت ضدّ حیات است (۲۲). هم‌چنین، آن را سکون معنا کرده‌اند (۲۲) و نیز هر گونه زوال مراتب بالای وجود را موت دانسته‌اند، هم‌چون زوال عقل که همان جهالت است (۲۲). در مفردات، به‌جای معنای موت، انواع آن برشمرده شده است (۲۳). در التحقیق آمده‌است که موت، یک امر واحد کلی است - هم‌چنان که حیات چنین است - که مصادیق و انواع مختلفی دارد و همان انتفاء حیات است (۲۴). به عقیده‌ی صاحب التحقیق، به‌وسیله‌ی روح است که موت موجودات رخ می‌دهد (۲۴). ایشان موت ظاهری را همان پایان حیات دنیوی و انقطاع روح از بدن (مادی) می‌داند (۲۴). در مجموع، به اعتقاد ایشان دو مرگ داریم، یکی با سرآمدن مهلت زندگی دنیوی و دیگری با پایان یافتن زندگی برزخی (۲۴).

أَجَلْنَا الَّذِي أُجِّلْتَنَا^۶ یعنی به‌حد مرگ رسیدن (۲۷).

وفات

این کلمه از ریشه‌ی وَفَى به معنی تمام کردن است (۲۹). وَفَى دلالت بر به‌تمام و کمال رساندن دارد (۳۰). قرآن کریم در مورد خواب و مرگ، کلمه‌ی تَوَفَّى را به‌کار برده‌است (۲۵). بر اساس آیات قرآن الله^۷، ملک الموت^۸ و ملائکه^۹ - در مراتب مختلف - تَوَفَّى نفوس را بر عهده دارند.

تفاوت در معانی و کاربرد لغات مرادف موت

باید توجه داشت که واژه‌ی منتخبی که قرآن اغلب برای مرگ به‌کار می‌برد، «موت» است که در ۱۴۳ آیه از این ریشه استفاده شده‌است. این در حالی است که ریشه‌ی «وفی» در ۶۴ آیه به‌کار رفته‌است که در این میان مُرَاد از آن در آیات محدودی مرگ و مُرْدن است. هم‌چنین، دانستن این نکته ضروری است که «فوت» اگرچه گاهی به اشتباه، معادل مرگ به‌کار می‌رود، بسیار متفاوت از «وفی» و «موت» است. به بیان علامه حسن‌زاده آملی نیز در قرآن مجید از مرگ به فوت تعبیر نشده‌است و آنچه هست مشتقات وفات (تَوَفَّى) است (۳۱). برای توضیح بیش‌تر، معنی لغتی «فوت» را نیز می‌آوریم: فوت در لغت یعنی از دست رفتن (۳۲). راغب فوت را دور شدن چیزی دانسته که درک آن ناممکن باشد وَ كَوَّ تَرَى إِذْ فَرَعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ^{۱۰}. یعنی: آن‌گاه قدرت کنار

این ریشه در قرآن کریم برای پنج مورد به‌کار رفته‌است: اول: از بین رفتن نیروی نامیه (رشد دهندگی)، مثل آیه‌ی: یحیی الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا^۱ و أَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَةً مَيْتًا^۲ (۲۵)، دوم: از بین رفتن نیروی حواس، مثل: یا كَيْتِنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا^۳ (۲۵)، سوم: از بین رفتن نیروی عاقله‌ی انسان که همان جهالت است، مثل: أَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ^۴ (۲۵)، چهارم: اندوه و حزن مرگ‌آفرین، مثل: وَ يَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ مَا هُوَ بِمَيِّتٍ^۵ (۲۵)، پنجم: خواب، زیرا خواب در حقیقت نوعی مرگ خفیف است (۲۵).

به عقیده‌ی علامه طباطبایی، معنای فلسفی موت، عبارت است از مفارقت روح از بدن و قطع علاقه‌ی تدبیری آن که در بعضی روایات، آن را انتقال از خانه‌ای به خانه‌ای دیگر دانسته‌اند (۲۶). به اعتقاد برخی از مفسران، موت همان تمام شدن روح بخاری حیوانی است که موجب از کار افتادن این بدن می‌شود، مثل چراغ که نفتش تمام شود، البته روح انسانی در عالم برزخ باقی‌است (۲۷).

أجل

مدت معین برای هر چیزی را أجل گویند (۲۸). زمان حیات هر انسانی را هم أجل گفته‌اند و اگر بگویند - دَنَا أَجَلُهُ - به این معنی است که مرگش نزدیک شده‌است و آیه‌ی بَلَّغْنَا

^۶ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الأنعام، آیه‌ی ۱۲۸: به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم.

^۷ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الزمر، آیه‌ی ۴۲: اللَّهُ يَتَوَفَّى النَّفْسَ حِينَ مَوْتِهَا، الله ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند.

^۸ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی السجده، آیه‌ی ۱۱: قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ، بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می‌گیرد.

^۹ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی النحل، آیه‌های ۲۸ و ۳۲: الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ، آنان که فرشتگان (مرگ) روحشان را می‌گیرند.

^{۱۰} قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی سباء، آیه‌ی ۵۱: اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می‌شود، اما نمی‌توانند (از عذاب الهی) بگریزند.

^۱ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الروم، آیه‌ی ۱۹: (خداوند)، زمین را پس از مردنش حیات می‌بخشد.

^۲ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی ق، آیه‌ی ۱۱: (به وسیله‌ی باران) سرزمین مرده را زنده کردیم.

^۳ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی مریم، آیه‌ی ۲۳: ای کاش پیش از این مرده بودم!

^۴ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی انعام، آیه‌ی ۱۲۲: آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم.

^۵ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۱۷: و مرگ از هر جا به سراغ او می‌آید؛ ولی با این همه نمی‌میرد.

را نمی‌توان با معنا و مفهوم مرگ تطبیق کاملی داد؛ بلکه شاید بتوان آنرا ناظر به مدت زندگانی یا سرآمد آن دانست. بدین ترتیب، أجل مسمی را مدت زمانی دانسته‌اند که فرد برای به تکامل رساندن قوای انسانی خود به آن نیاز دارد (۳۷).

«مفهوم‌شناسی مرگ» در قرآن کریم

پیش از ورود به این بحث لازم است توجه شود که بر اساس روایات بسیار، کتب معرفتی و نیز تفاسیر شیعی و سنی، غیر از کلمات قرآنی که صراحتاً دلالت بر مرگ دارند، بسیاری از واژه‌ها و عبارات در قرآن وجود دارند که کنایه از مرگ هستند. از آن جمله می‌توان به اسامی قیامت و آیات توصیف‌کننده‌ی آن اشاره نمود. چراکه قیامت هنگامه‌ای خاص که در زمان و مکانی دیگر و پس از تمام شدن دنیا و برزخ رخ دهد نیست، بلکه حقیقتی لازم‌الزمان و لامکان است (۳۸). در حقیقت، تأویل انفسی آیات مربوط به قیامت ناظر به تحولات تمام هستی است که هر آن و کم‌تر از آنی^۲ در وجود هر صاحب روحی برپاست^۳ (۳۸) - هم‌چنان که مرگ نیز امری پیوسته و قهری است (۳۹) که هر صاحب روحی دائماً آن را می‌چشد: كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ^۴ - بر این اساس، می‌توان گفت که مرگ جلوه‌ای از قیامت است (۴۰). صدرالمتهلین در مفاتیح‌الغیب خود چنین مطلبی را ذری یتیم معرفی می‌کند و آن این‌که مراد از قیامت تنها قیامت کبری نیست، بلکه مرگ نیز از مصادیق آیات اشاره‌کننده به قیامت است^۵ (۴۱). در

^۲ از ضیق تعبیر است که «آن» می‌گوییم و گرنه قیامت، عالمی فوق تجرد است که زمان و مکان را بر نمی‌تابد.

^۳ قَالَ الصَّادِقُ (ع): الْقِيَامَةُ بِأَهْلِهَا وَشِدَائِدِهَا قَائِمَةٌ فِي كُلِّ نَفْسٍ: امام صادق (ع) فرمودند: قیامت با ترس‌ها و سختی‌هایش دائماً در هر نفسی به‌پاست. (بحار الأنوار، ج ۶۸، ص: ۲۶۵)

^۴ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی ال عمران، آیه‌ی ۱۸۵: هر نفسی مرگ را می‌چشد.

^۵ هی دره یتیمه فی بابها و نحن ذکرناها فی تفسیرنا لسورة الواقعة تحقیق قوله تعالی قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ و لفظ القیامة ایضا مشترک الدلالة عند أهل البصائر فیطلق علی هذا الیوم

شدن از عذاب و گرفتاری را ندارند (۳۲). الفوت: دور شدن چیزی است از انسان، به‌طوری‌که ادراک و رسیدن به او برایش میسر نباشد (۳۳). البته در حدیثی نقل شده‌است که فوت همان موت است (۲۱). لکن از دیگر روایات این‌گونه بر می‌آید که فوت همان موت نیست، بلکه فوت نهایت موت است: غَايَةُ الْمَوْتِ الْفَوْتُ (۳۴). هم‌چنین، موت سبب فوت است: سَبَبُ الْفَوْتِ الْمَوْتُ (۳۴).

توفی نیز در آیات کریمه، به‌عنوان مرحله‌ی پایان موت ذکر شده‌است^۱ و به‌معنای مرگ نیست (۳۵): چرا که «توفی» از ماده‌ی «وفی» به‌معنی تکمیل کردن چیزی است و با ماده‌ی فوت تفاوت دارد، گرچه گاهی به‌معنی مرگ آمده و متوفی به‌معنی مُرده است، ولی حتی در این‌گونه موارد نیز در حقیقت به‌معنی مرگ نیست، بلکه به‌معنی تحویل گرفتن روح است (۳۵). به‌عقیده‌ی علامه طباطبایی نیز کلمه‌ی «توفی» در قرآن به معنای مرگ به‌کار نرفته‌است و اگر هم در مورد مرگ استفاده شده، منظور «گرفتن» و «حفظ کردن» بوده است (۳۶). در واقع، به‌نظر ایشان، کلمه‌ی «توفی» در آیاتی استفاده شده که هدف آن‌ها تأکید بر این بوده که خداوند جان‌ها را می‌گیرد و حفظ می‌کند تا هنگام بازگشت خلاق به‌سوی خودش دوباره به بدن‌ها برگرداند. اما در مواردی که این عنایت منظور نیست و تنها سخن از مُردن است، قرآن در آن‌جا لفظ موت را می‌آورد نه لفظ توفی را، پس کلمه‌ی «توفی» از این جهت صراحتی در مُردن ندارد (۳۶). کلمه‌ی أجل نیز به‌معنای مدت معین و آخر مدّت است که در ۴۸ آیه از کلام خدا آمده‌است.

لکن در این میان، آیات کمی ناظر به مرگ هستند. البته أجل تلویحاً در مورد مرگ نیز به‌کار می‌رود؛ لکن از آن‌جا که مرگ در دیدگاه اسلامی روندی تدریجی و پیوسته دارد، لذا «أجل»

^۱ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الأنعام، آیه‌ی ۶۱: حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرَطُونَ: تا آن‌که چون مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما (فرشتگان) جان او را بازگیرند و در کار خود، هیچ کوتاهی نکنند.

لذا باید گفت که در استخراج مؤلفه‌های قرآنی برای مفهوم مرگ، رویکرد شرح داده‌شده نیز دخیل بوده‌است (گرچه روشن است که به دلیل وسعت کار، به تمامی آیات قیامت پرداخته نشده‌است). اکنون با رعایت مجمل‌گویی، به برخی از مؤلفه‌های «مفهوم‌شناسی مرگ» در قرآن کریم اشاره می‌کنیم. این مؤلفه‌ها در دو عنوان و در مجموع، دوازده زیر عنوان ارائه می‌شوند: الف) مفهوم‌شناسی کلی مرگ شامل ده مؤلفه. ب) مفهوم‌شناسی دو وجهی مرگ شامل دو مؤلفه.

الف) مفهوم‌شناسی کلی مرگ

۱) مرگ امری با هیبت و دارای ثقل است که حقیقت آن ناشناختنی است.

از آیات قرآن مجید چنین برمی‌آید که مرگ، امری پر اهمیت و ثقیل است^۳ (۴۵) و علی‌رغم آن که مفهومی قابل شناخت دارد، لیکن حقیقت آن هرگز دست‌یافتنی نخواهد بود (۴۶). یکی از وجوه این مطلب را می‌توان در آیات یکم تا سوم سُور مبارکه‌ی الحاقه^۴ و القارعه^۵ یافت، چراکه بررسی در معنا، مفهوم و تفسیر این آیات نشان می‌دهد که الحاقه و القارعه، هر یک از وجهی مخصوص، می‌توانند کنایه از مرگ باشند (۵۴-۴۷). به علاوه، طرز بیان این آیات کریمه، خصوصاً استفاده از «مای إستفهامیه» (۵۵) نهایت عظمت، اهمیت و خارق‌العاده بودن این حادثه را می‌رساند (۵۶). بدین ترتیب، علم به حقیقت الحاقه و القارعه از تمام مخاطبان نفی شده‌است (۵۵).

۲) مرگ امری وجودی و از مقلّذات است.

حقیقت، او قیامت را در دو جلوه‌ی صغری و کبری شرح می‌دهد و قیامت صغری را همان مرگ می‌داند (۴۲). ایشان می‌فرماید: هرچه در قیامت کبراست، نظیرش در قیامت صغری نیز است^۱ (۴۲). از این‌روست که ایشان شناخت مرگ را از کلیدهای علم به قیامت می‌داند (۴۳). به عقیده‌ی آیت‌الله مکارم شیرازی نیز شاید قیامت به تصوّر ما امر مشخصی باشد که بسیار هم از ما دور است، ولی مقدمه‌ی قیامت، مرگ است که همان قیامت صغری است و هر چند قیامت کبری و مثل آن نیست، ولی مثل و کوچک‌نمادی از آن است (۴۰). با این رویکرد، گرچه تمام‌ترین ظهور ویژگی‌های توصیف شده در آیات و کلمات یاد شده، اختصاص به قیامت (کبری) دارد، با توجه به آنچه گذشت و هم‌چنین، آن‌که مرگ همان برپایی قیامت در وجود هر شخص است (إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ^۲)، استبعادی ندارد که کنایه از مرگ نیز باشند. اهمیت این نکته زمانی بیش‌تر مشخص می‌شود که بدانیم بنابر نتایج حاصل از تحقیق بعضی از پژوهشگران، در حدود هزار و هفتصد آیه از قرآن مجید - یعنی نزدیک به یک سوم از قرآن - راجع به قیامت است (۴۴). بر این اساس، باید گفت برخی واژه‌ها و تعبیرات قرآنی که ممکن است در نگاه اول تنها در مورد قیامت باشند، توسط ائمه معصومین (ع) و مفسران شیعه و سنی به مرگ نیز تفسیر شده‌اند؛ هم‌چون: أَوْفَى، یَوْمَ اللَّهِ، خَمْدٌ، صَعَقٌ، السَّاعَةُ، الوَعْدُ، زَلْزَلَةٌ، یَوْمَ الْفَصْلِ، یَوْمَ الْجَمْعِ و... که برای تبیین دیدگاه قرآن در مورد مفهوم مرگ، یافتن این واژه‌ها و پرداختن به معنی، تفسیر و سیاق آیات مربوطه بسیار کمک‌کننده خواهد بود.

^۳ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الأعراف، آیه‌ی ۱۸۷: یَسْتَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّئُهَا لِوَفْتِهَا إِلَّا هُوَ تَنَزَّلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، درباره ساعه از تو سؤال می‌کنند، کی فرامی‌رسد؟! بگو: «علمش فقط نزد پروردگار من است؛ و هیچ کس جز او (نمی‌تواند) وقت آن را آشکار سازد؛ (ساعه) در آسمان‌ها و زمین، سنگین (و بسیار پر اهمیت) است.

^۴ الحاقه ما الحاقه و ما أذراك ما الحاقه
^۵ القارعه ما القارعه و ما أذراك ما القارعه

المعین و یسمی بالقیامة الكبرى و یطلق علی یوم الموت الطبعی الشخصی و یقال له القیامة الصغری لقوله ص: من مات فقد قامت قیامته.

۱. کل ما فی القیامة الكبرى فله نظیر فی القیامة الصغری.

^۲ پیامبر خدا (ص) فرمودند: هر گاه یک نفر از شما بمیرد قیامتش برپا می‌شود. (دیلمی ش.ح. إرشاد القلوب إلی الصواب. قم: شریف رضی؛

۱۴۱۲ق، ج ۱، ص: ۱۸)

در آیهی شریفه‌ی *أَيُّمَّا تَكُونُوا يَذُرْكُمْ الْمَوْتُ*^۷، نشان می‌دهد این مرگ است که آدمی را فرا می‌گیرد و نُضج او را به پایان می‌رساند؛ نه این‌که انسان مرگ را درک کند و خود بمیرد (۶۵، ۲۸).

۴) مرگ امری پیوسته، تدریجی و مداوم، اما دارای ساعتی مشخص است.

شاید یکی از مهم‌ترین نکات در مورد مرگ، توجه به این مطلب باشد که مطابق آیات قرآن و احادیث، مرگ امری دفعی نیست، بلکه روندی تدریجی و دائمی است. به این معنا که مرگ، با تولد آغاز می‌شود. در حقیقت، امری وجودی است، که در سراسر هویت موجود زنده، ساری و جاری است، هم‌چنان که حیات این‌گونه است (۶۱).

ذائق در آیهی کریمه‌ی *كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ*^۸، شاهد این مدعاست، چراکه اسم فاعل است و دلالت بر دوام و پیوستگی دارد (۶۶). در عین حال، أجل مسمی حتما دارای زمانی مشخص است ولی مرگ معلق، قابل تقدیم و تأخیر است. در توضیح باید گفت طبق آیات قرآن، مرگ را انواعی است که شامل موت حتمی (أجل مسمی)^۹، موت معلق^{۱۰} (۶۷) و موت اختیاری^{۱۱} است (۶۸). موت معلق مرگی است که وقوع آن

^۷ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی النساء، آیه‌ی ۷۸: هر جا باشید، مرگ شما را درمی‌یابد.

^۸ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۸۵ و الأنبیاء، آیه‌ی ۳۵ و العنکبوت، آیه‌ی ۵۷: هر نفسی مرگ را می‌چشد.

^۹ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی النحل، آیه‌ی ۶۱: إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ، و هنگامی که اجلشان فرا رسد، نه ساعتی تأخیر می‌کنند، و نه ساعتی پیشی می‌گیرند. (بر اساس ترجمه المیزان، ج ۷، ص: ۹)

^{۱۰} قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الرعد، آیه‌ی ۳۹ و ۳۸: لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ، يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ، برای هر اجلی حکمی است، خداوند هر چه را بخواهد محو و هر چه را بخواهد اثبات می‌کند. (بر اساس ترجمه المیزان، ج ۷، ص: ۹)

^{۱۱} قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الأنعام، آیه‌ی ۱۲۲: أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْبَيْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا، آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برایش

مرگ در بیان قرآن، از مقدرات است^۱ (۵۷) و تقدیر حتمی الهی است که مانع‌پذیر نیست (۵۸). یعنی خداوند بر اساس حکمت و مصلحت، مرگ را بین بندگان به مقدار و اندازه‌ای معین قرار داده‌است (۵۹) و هیچ عاملی نمی‌تواند مانع مرگ (حتمی یا مسمی) باشد و بر فرمان خداوند سبقت گیرد (۶۰). دیدگاه‌های مادی و غیر دینی، مرگ را پایان حیات می‌دانند^۲ (۶۱). در بیش ایشان مرگ پدیده‌ای مخوف و دهشت‌آور است^۳ که ناگهان فرا می‌رسد و درخت آرزوهای انسان را ریشه‌کن و عده‌ای را داغدار می‌کند (۶۲). لکن در نظرگاهی برخاسته از معارف قرآن کریم، مرگ نه تنها عدم نیست، بلکه امری وجودی و خلقت‌پذیر است که خالق دارد (۵۵). حتی خلقت آن بر حیات سابق است؛ لذا ذاتی موجودات (۶۳) و ملازم ایشان است (۶۴). از این منظر، مرگ نه تنها موحش نیست بلکه ماهیتی زیبا و فطرت‌پسند دارد؛ چراکه آفریده شده‌ی آن زیباست (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ^۴).

۳) مرگ در تملک انسان نیست و بر انسان احاطه دارد. مطابق آیات قرآن مرگ قاهر است و انسان مقهور او (۵۸) که هیچ مالکیتی بر آن ندارد^۵ بلکه مرگ، ذاتی و ناگزیر، فراگیرنده‌ی انسان است (۶۳). دقت در معنای ریشه‌ای *دَرَكَ*

^۱ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الواقعة، آیه‌ی ۶۰: نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَ مَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ.

^۲ اشاره است به آیه‌ی ۲۴ سوره مبارکه الجاثیه: مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا. آن‌ها گفتند: چیزی جز همین زندگی دنیای ما در کار نیست.

^۳ إِنَّ الْمَوْتَ لَرَائِزٌ غَيْرٌ مَحْجُوبٍ وَ وَآسَرٌ غَيْرٌ مَطْلُوبٍ وَ قِرَّةٌ غَيْرٌ مَغْلُوبٍ (تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۱۶۱)

^۴ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی ملک، آیه‌ی ۲، الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَ الْحَيَاةَ. آن کس که مرگ و حیات را آفرید.

^۵ همان

^۶ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الفرقان، آیه‌ی ۳: لَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا، مالک مرگ نیستند.

طبق کریمه‌ی و ما كانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ، مرگ تنها به اذن خداوند صورت می‌گیرد. به عقیده‌ی علامه طباطبایی، کلمه‌ی «إذن» در لغت به معنای اجازه‌دادن نیست، بلکه به معنای گوش‌دادن است، و گوش را هم «أذن» گویند که مجاز از انقیاد و اطاعت است (۷۱). این نشان می‌دهد که در هنگامه‌ی مرگ، نفوس اطاعت محض از پروردگار دارند (۷۷).

۶ آن‌که می‌میراند «هو^۶»، «الله^۷»، «رب^۸» و «نحن^۹» است که علت این تفاوت را اختلاف در مراتبِ فاعل دانسته‌اند.

علامه طباطبایی برای توضیح بیشتر، مثالی مطرح می‌کند. ایشان اختلاف در مراتبِ فاعل را نظیر عمل نوشتن می‌داند که هم به قلم نسبت می‌دهیم و می‌گوییم قلم خوب می‌نویسد، و هم به دست و انگشتان نسبت می‌دهیم و می‌گوییم دست فلانی به نوشتن روان است، و هم به انسان نسبت می‌دهیم و می‌گوییم فلانی خوب می‌نویسد (۷۸). به همین ترتیب، هو، الله، رب و نحن، همگی مراتبِ یک حقیقت‌اند. ۷ مرگ حق و حتمی است و ثبوت دارد.

از واژه‌های قرآنی که می‌توان آن را کنایه از مرگ دانست، «الْحَاقَّةُ» است. این لغت از ریشه‌ی حق به معنی ثابت و صدق است (۷۹) و نشان‌دهنده‌ی امری است که وقوع آن حتمی، حق و ثابت است (۵۱). هم‌چنین، یکی از مصادیق یوم‌الحق

منوط به شرط است، تنها با تحقق آن شرط مرگ نیز محقق می‌شود. این مرگ با دعا و توسلات و اعمال نیک تأخیر می‌افتد و با معاصی، اعمال سیئه و اخلاق فاسده جلو می‌افتد (۶۹). لذا مرگ معلق، قابل تقدیم و تأخیر است^۱ ولی موت حتمی قابل تغییر نیست (۷۰). موت اختیاری به معنای گذر مختارانه از افعال، اوصاف و عقاید باطله و سافل و ورود به مراتب عالی است که با افاضه‌ی نور ولایت ممکن می‌شود و بنا بر گفته‌ی صاحب بیان‌السعادة، به مراتب شناخت نورانیت امیرالمؤمنین (ع) می‌انجامد (۷۱). در حقیقت، فرموده‌ی امیرالمؤمنین (ع) که: مَنْ يَمُتْ يَرْتِي^۲ (۷۲)، تنها منحصر در مرگ طبیعی نیست، بلکه ناظر به مرگ اختیاری نیز است (۵۷).

۵ مرگ وعده‌ی خداوند و ظهور امر و سلطنت اوست که تنها به اذن خداوند صورت می‌گیرد.

مرگ را از مصادیق وعده‌ی حق دانسته‌اند که در آیه‌ی ۹۷ سوره‌ی مبارکه‌ی انبیاء بیان شده‌است: وَ اقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ^۳ (۷۳). هم‌چنین، در بسیاری از تفاسیر ذیل کریمه‌ی ذَكَرْتُمْ بِأَيِّمِ اللَّهِ، مرگ را مصداقی از یوم الله دانسته‌اند (۷۵، ۷۴). این امر نشان‌دهنده‌ی آن است که در هنگامه‌ی مرگ، آیات خدا و سلطنت او ظاهر می‌شود و اسباب دنیوی از تاثیر می‌افتند (۷۶).

^۵ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۴۵: هیچ کس، جز به فرمان خدا، نمی‌میرد.

^۶ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی النجم، آیه‌ی ۴۴: وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا، و اوست که میراند و زنده کرد.

^۷ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الجاثیه، آیه‌ی ۲۶: قُلِ اللَّهُ يَحْيِيكُمْ ثُمَّ يَمِيتُكُمْ، بگو الله است که شما را زنده می‌کند و می‌میراند.

^۸ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی البقره، آیه‌ی ۲۵۸: رَبِّي الَّذِي يُحْيِي وَيَمِيتُ، پروردگار من کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.

^۹ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الحجر، آیه‌ی ۲۳: وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَ نَمِيتُ، به درستی که ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم.

قرار دادیم که با آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نکرده؟ (بر اساس اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص: ۳۷)

^۱ در بیان قرآن و روایات، شهادت نیز از انواع موت معلق است که انسانی به اختیار، خود را در راه خدا فدا می‌کند.

^۲ هر کس بمیرد، مرا می‌بیند.

^۳ و وعده‌ی حق نزدیک می‌شود. در آن هنگام چشم‌های کافران از وحشت از حرکت بازمی‌ماند؛ (می‌گویند): ای وای بر ما که از این (جریان) در غفلت بودیم؛ بلکه ما ستمکار بودیم!

^۴ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۵: «إِیْمَ اللَّهِ» را به آنان یاد آور.

در آیهی ذلِكَ الْيَوْمِ الْحَقِّ^۱ را می‌توان هنگام مرگ دانست (۷۹-۸۳).

۸) مرگ قهری و از آن همگان است و رساننده‌ی به کمال؛ لکن به اختیار خود انسان‌ها، وجه سعادت و شقاوت نیز خواهد داشت.

براساس آیات قرآن، نفوس به‌سوی مرگ در سعی و حرکت‌اند (۳۸) و در حرکتی دائمی، موت و حیات را می‌چشند. «كُلُّ» در کریمه‌ی كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ^۲، اسم موضوع برای استغراق افراد منکر است (۸۴) و دلالت بر آن دارد که هر صاحب نفسی، دائماً مرگ را می‌چشد. لذا مرگ همواره با انسان است و او را از مراحل دانی وجود به مراتب عالی سوق می‌دهد (۸۵). بر این اساس، حرکت به‌سوی کمال از آن همگان است، لیکن با اختیار انسان‌هاست که به کمال سعادت یا شقاوتی می‌انجامد.

۹) مرگ حادثه‌ای شدید و فراگیر است که فرارسیدن آن ناگهانی است.

بر اساس آیات قرآن، لحظه‌ی انقطاع نفس از بدن، ناگهانی (بغتة) است (۸۷، ۸۶، ۶۸). لذا باید همواره آماده‌ی مرگ بود (۸۸). هم‌چنین، یکی از کلمات قرآنی که می‌توان آن‌را کنایه از مرگ دانست، العاشیه است (۸۹، ۵۳)؛ این کلمه، از ریشه‌ی عَشِيَ به‌معنی فراگرفتن و پوشاندن است (۳۲). غاشیه به‌معنی فراگیرنده است، چیزی که تمام اطراف شیء را احاطه می‌کند و او را می‌پوشاند (۹۰). هم‌چنین، بررسی لغات و تفسیر کریمه‌ی یَوْمًا عَبُوسًا قَمَطْرِيًّا^۳، گواه سختی و شدت مرگ است (۹۳-۹۱، ۳۳). همین‌طور، یکی از مصادیق «الواقعه» (۶۸)، «الصَّاحَةُ» (۸۲) و نیز «الطَّامَةُ» (۹۴، ۵۳) را مرگ

دانسته‌اند که مراد از آن‌ها به‌ترتیب، حادثه‌ی شدید (۲۹)، عظیم و اضطراب‌آور (۹۵) و مصیبت فراگیرنده‌ی بزرگ است (۹۶).

۱۰) نفس مرگ‌ناپذیر و تنها چشنده‌ی آن است و مرگ همان نزع (کندن) نفس است از بدن.

از کریمه‌ی كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ^۴ چنین بر می‌آید که نفس نمی‌میرد بلکه فقط (به سبب تعلق و وابستگی به جسم) مرگ را می‌چشد (۹۷، ۲۶). بر اساس آیات قرآن، نفس در هنگام مرگ نزع می‌شود. نزع در لغت به‌معنای کندن است (۲۹)، به‌گونه‌ای که چیزی از آن باقی نماند (۹۸). هم‌چنین، نزع را زمانی به‌کار می‌برند که دو چیز به‌شدت از هم جدا شوند (۹۹). در آیه‌ی کریمه‌ی وَ النَّازِعَاتُ غَرْقًا^۵، یکی از مصادیق «النازعات» را فرشتگانی دانسته‌اند که نفس را از بدن جدا می‌کنند (۲۵).

ب) مفهوم‌شناسی دو وجهی مرگ

مرگ برزخ میان دنیا و آخرت است. یعنی تنها یک مَعْبَر و پلی است برای عبور از تنگی دنیا به وسعت آخرت (۱۰۰). در دیدگاه اسلام مرگ سیر از عالم کثرت به عالم وحدت است، از عالم ماده به تجرد (۱۰۲، ۱۰۱)، از نقص به کمال (۱۰۳)، از ساحت ظاهری وجود به ساحت باطنی عالم (۱۰۴). بر این اساس، بسیاری از آیات قرآن، توصیفی دو وجهی از مرگ ارائه می‌دهند؛ وجهی ناظر به جدا شدن از ماده است و وجهی نشان از پیوستن به ماوراء ماده (۱۰۵، ۵۴). این دو نگاه را در مؤلفه‌های زیر به‌طور مختصر شرح می‌دهیم:

۱) مرگ همان قطع حیات و نیز ظهور حیات است! مطابق آیات قرآن اگرچه مرگ قاطع زندگی، سکون و

^۱ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی النبأ، آیه‌ی ۳۹: آن روز، حق است.

^۲ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۸۵ و الأنبیاء، آیه‌ی ۳۵ و العنکبوت، آیه‌ی ۵۷: هر نفسی مرگ را می‌چشد.

^۳ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الإنسان، آیه‌ی ۱۰: روزی عبوس و سخت.

^۴ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الواقعة، آیه‌ی ۱: واقعه‌ی عظیم.

^۵ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۸۵: هر نفسی مرگ را می‌چشد.

^۶ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی النازعات، آیه‌ی ۱: سوگند به فرشتگانی که (جان مجرمان را به شدت از بدن هایشان) برمی‌کشند.

برنده)^۴، یعنی کوبنده‌ی تمایلات مادی و خودی‌های نفسانی است (۵۴) تا قشرها و آلودگی‌ها را به وادی نیستی کشاند و خالص‌شده‌ی نفوس را به دار کرامت سوق دهد (۴۱). بدین‌ترتیب، مرگ نفس را از شرک و کثرات جدا می‌کند (۱۱۸) و به عالم وحدت سوق می‌دهد. لذا اولین رجوع به رب^۵ (۱۲۰، ۱۱۹) و ملاقات خالق و مخلوق است^۶ (۱۰۵) که کتاب جامع وجود را به یک‌باره و بدون کاستی، پیش روی انسان می‌گشاید (۱۲۲، ۱۲۱) و غیب را مشهود او می‌کند^۷ (۵۳). پس مرگ هم فصل می‌کند^۸ از مراتب مادون وجود (۴۱) هم جمع می‌کند^۹ به دریای وحدت وجود (۱۲۴، ۱۲۳). بدین‌ترتیب، مرگ خارج شدن از نظامی است با درجه‌ی وجودی ضعیف و وارد شدن به نظامی است با درجه‌ی وجودی شدید که در آن امکان ظهور حقایق - هم‌چون خلود و تجرد - فراهم می‌شود که در دنیا آن‌چنان ظهوری ممکن نبود (۱۱۵).

۲) مرگ ظهور غم و اندوه، حسرت و زیانکاری برای عده‌ای و ظهور گشایش، نصرت و مغفرت برای عده‌ای دیگر است.

برخی دیگر از واژه‌ها و عبارات قرآنی هستند که علاوه بر آن‌که کنایه از مرگ هستند، بر ظهور حسرت و خسران یا در مقابل، بهجت و نصرت دلالت دارند. بعضی از آن‌ها عبارتند

^۴ اشاره به آیه‌ی سوم از سوره مبارکه‌ی واقعه: خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ.

^۵ اشاره به آیه‌ی ۱۵ سوره مبارکه‌ی الغافر: لِيُنزِلَ يَوْمَ التَّلَاقِ: تا (مردم را) از روز ملاقات بیم دهد.

^۶ اشاره به آیه‌ی ۱۰۳ سوره مبارکه‌ی هود: ذَلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ. هم‌چنین، آیه‌ی ۲۲ سوره مبارکه‌ی ق: لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ، تو از این صحنه غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم، و امروز چشمت کاملاً تیزبین است!

^۷ اشاره به آیه‌ی ۳۸ سوره مبارکه‌ی المرسلات: هَذَا يَوْمُ الْقُصْلِ: این، همان روز جدایی است.

^۸ اشاره به آیه‌ی ۷ سوره مبارکه‌ی شوری: يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ: روز جمعی که شک در آن نیست.

خاموشی حیات مادی است^۱ (۱۰۸-۱۰۶، ۲۴)، لکن عین ظهور حیات اخروی است (۱۰۹). بر این اساس، مرگ هلاکت نیست (۱۱۰)، بلکه عین حیات است؛ فنا نیست، عین بقاست (۱۱۱). چراکه با مرگ دائمی است که حیات ظهور می‌کند، هم‌چنان که تا نطفه از نطفگی نمیرد، هرگز علقه نمی‌شود و... پس انسان با مرگ از مراتب دانی، حیاتی برتر می‌یابد (۱۱۲)، (۷۴). به عبارت بهتر، حیات این دنیا، خود، مرگی است در برابر حیات حقیقی آخرت (۱۱۰) و اگر در کریمه آمده‌است: *الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ*، منظور از موت، حیات دنیا و منظور از حیات، زندگی پایدار اخروی است (۱۱۳). یادآور می‌شود که این مرگ و حیات یا به عبارتی انتقال از دنیا به آخرت، دائماً در حال جریان است و تنها در لحظه‌ی فوت نیست بلکه آن را باید غایت دنیایی این روند دانست. بنابراین، حیات با مرگ ظاهر می‌شود و مرگ دریچه‌ای است برای وسعت‌یافتن هستی (۱۱۵، ۱۱۴، ۱۱۰). از این منظر، مرگ، انسلاخ از رتبه‌ی پایین‌تر و ورود به رتبه‌ی بالاتر است. به عبارت بهتر، مرگ فروآورنده‌ی وجه خَلْقی و فرابرنده‌ی وجه الهی انسان است. بدین‌ترتیب که مرگ نفس آدمی را زیر و رو می‌کند تا امور مخفی آن آشکار شود (۱۱۷، ۱۱۶، ۸۲). در این هنگام، سبب‌های دنیایی از کار می‌افتند (۵۵). این حادثه‌ی عظیم، هم خافض (فرو برنده) است و هم رافع (فرا

^۱ اشاره است به آیه‌ی ۲۹ سوره مبارکه‌ی یس: فَاِذَا هُمْ خَامِدُونَ، ناگهان همگی مُردند.

^۲ یکی از شواهد این بحث، بررسی در زوایای کریمه‌ی ۲۸ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره است: كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ اٰمَوَاتًا فَاَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ، چگونه به خداوند کافر می‌شوید؟! در حالی که شما مردگان بودید، و او شما را زنده کرد؛ سپس شما را می‌میراند؛ و بار دیگر شما را زنده می‌کند؛ سپس به سوی او بازگردانده می‌شوید. (ترجمه بیان السعاده، ج ۱، ص: ۵۷۰)

^۳ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی ملک، آیه‌ی ۲: اَنْ كَسَّ كَسَّ مَرِغًا وَ حَيَاتٍ رَافِعًا.

پیشرفته، درمان سالمند دچار دمانس و نارسایی شدید قلبی، یا استفاده از دستگاه‌های پیشرفته‌ی کمک تنفسی در نوزاد دچار آنسفال‌ی را می‌تواند تا حدی سهل‌تر سازد. در این دیدگاه، مرگ حقیقتی است حتمی که نه می‌توان از آن گریخت و نه اجازه‌ی تسریع آن داده شده است. به عبارتی، داشتن بینش و نگرش واضح و روشن نسبت به مرگ، در کنار سایر عوامل تأثیرگذار در تصمیم‌سازی، اتخاذ تصمیم در بالین را با چالش درونی کم‌تری مقدر خواهد ساخت. بر این اساس، مفهوم‌شناسی مرگ می‌تواند برای بالینگران بسیار مفید باشد. هم‌چنین، پی‌بردن به نگرش بیماران نسبت به مرگ می‌تواند در ارائه‌ی مراقبت‌های پایان حیات به‌نحو شایسته‌تر، نقش‌آفرین باشد (۱۲۹)؛ مسأله‌ای که تحت عنوان مراقبت‌های معنوی در پایان حیات مطرح است (۱۳۰) و ظرایف و وجوه ناپیدای آن، پژوهش‌هایی عمیق را می‌طلبد. هم‌چنین، دریافت روشن از مفهوم مرگ برای بیماران در حال مرگ می‌تواند اثرات زیبا و آرامش‌بخشی به‌دنبال داشته باشد؛ به‌نحوی که او و همراهانش با آمادگی بیش‌تری مرگ را بپذیرند (۱۳۱).

علم پزشکی، اساساً مرگ را تنها از دریچه‌ی جسمانی می‌نگرد و آن را «از دست دادن دایم ظرفیت آگاهی و عملکرد ساقه‌ی مغز، در اثر قطع دایم گردش خون یا آسیب فاجعه‌بار مغز» می‌داند (۱۳۲)؛ در حالی‌که در نگرش اسلامی، این امر تنها ظهوری از وقایعی است که بر نفس می‌گذرد و مراحل آن به‌طرز شگفت‌انگیزی در قرآن کریم آمده است و با پژوهش‌هایی کارآمد، قابل ارائه خواهد بود. در حقیقت، می‌توان گفت که نگاه قرآن به مرگ عمدتاً بر نفس متمرکز است و مرگ را عبور نفس از تنگنای جسم مادی می‌داند؛ هر چند بر تغییرات جسمانی زمان مرگ نیز چشم نبسته است. این بینش، در مباحثی چون مراقبت‌های معنوی پایان حیات، سقط جنین و اتانازی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. بر این

از: یَوْمُ التَّغَابُنِ^۱ (۱۲۵)، یَوْمُ الْخَسْرَةِ^۲ (۱۲۶)، یَوْمًا عَجُوبًا قَمَطْرًا^۳ (۹۲)، یَوْمُ الْفَتْحِ^۴ (۱۲۷)، یَوْمُ عَسِيرٍ^۵ (۹۸).

نتیجه‌گیری

مرگ، ذاتی انسان‌ها و مرحله‌ای جدایی‌ناپذیر از زندگی است که شناخت مفهوم آن برای انسان تعالی‌بخش است. ضرورت مفهوم‌شناسی مرگ برای پزشکان، پررنگ‌تر نیز است. چراکه با مصادیق گوناگون آن مواجه هستند. هم‌چنین، یافتن راه‌حل‌های مناسب برای چالش‌های اخلاقی مطرح در حوزه‌های مختلف اخلاق زیستی هم‌چون سقط جنین، اتانازی، مرگ مغزی و مباحث پایان حیات، در گرو شناخت دقیق از مفهوم مرگ است. علم پزشکی به‌دلیل ماهیت تجربی آن، از ارائه‌ی مفهومی دقیق از مرگ ناتوان است. این مسأله، سرگردانی‌هایی را هم در مسائل بالینی مربوط به مواجهه با بیماران در حال مرگ ایجاد کرده است (۱۲۸). در واقع، عدم مفهوم‌شناسی صحیح از مرگ، می‌تواند تعیین معیارهای دقیق مرگ را در بالین بیماران با مشکلات زیادی روبه‌رو سازد. به‌خصوص آن‌که پیشرفت‌های چشمگیر در احیای بیماران و نیز پیوند اعضا بر پیچیدگی‌های مفهوم‌شناسی و بالتبع، ملاک و مصداق‌شناسی مرگ افزوده است (۱۲۸). به‌عنوان نمونه، اشراف تیم درمانی به مفهوم مرگ در یک جامعه‌ی مسلمان، تصمیم‌گیری در خصوص احیای بیمار انتهایی دچار سرطان

^۱ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی التّغابن، آیه‌ی ۹: روز تغابن (روز احساس خسارت و پشیمانی).

^۲ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی مریم، آیه‌ی ۳۹: وَأَنْذَرَهُمْ یَوْمَ الْخَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِی غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ: آنان را از روز حسرت بترسان، در آن هنگام که همه چیز پایان می‌یابد! و آن‌ها در غفلتند و ایمان نمی‌آورند!

^۳ قرآن کریم، سوره‌ی مبارکه‌ی الإنسان، آیه‌ی ۱۰: روز عبوس و سخت.

^۴ اشاره به السجده، آیه‌ی ۲۹: بگو: قُلْ یَوْمَ الْفَتْحِ لَا یَنْفَعُ الدِّینَ کَثْرَتُهَا إِلَّا بِمَا نُهُمْ وَ لَا هُمْ یُنظَرُونَ، روز پیروزی، ایمان آوردن، سودی به حال کافران نخواهد داشت؛ و به آن‌ها هیچ مهلت داده نمی‌شود!

^۵ اشاره به المدثر/۹: فَذَلِکَ یَوْمٌ عَسِیرٌ: آن روز، روز سختی است.

^۶ The permanent loss of capacity for consciousness and all brainstem functions, as a consequence of permanent cessation of circulation or catastrophic brain injury.

منابع

- 1- Loetz C, Müller J, Frick E, Petersen Y, Hvidt NC, Mauer C. Attachment theory and spirituality: two threads converging in palliative care? *Evid Based Complement Alternat Med* 2013; 2013.
- 2- Nair-Collins M. Brain death, paternalism, and the language of “death”. *Kennedy Inst Ethics J* 2013; 23(1): 53-104.
- 3- Mobasher M. [Motale'ye Tatbighie Didgah-Haye Islami Va Gheire Dini Jahate Tasmimsazie Akhlaqi Dar Moraghebat-Haye Payane Hayat]. A Thesis Presented for PhD Degree of Medical Ethics. Tehran University of Medical Sciences & Health Service, Faculty of Medicine, Medical Ethics and History of Medicine Research Center; 2014. [in Persian]
- 4- Zahedi F, Larijani B, Tavakoly bazzaz. End of life ethical issues and Islamic views. *Iran J Allergy Asthma Immunol* 2007; 6 (Suppl. 5): 5-15.
- 5- Bernat J. The concept and practice of brain death. *Prog Brain Res* 2005; 150: 369-79.
- 6- Popa G. The faces of death. *J Med Ethics* 1979; 5: 71-72.
- 7- Tayeb MA, Al-Zamel E, Fareed MM, Abouellail HA. A “good death”: perspectives of Muslim patients and health care providers. *Ann Saudi Med* 2010; 30(3): 215-221.
- 8- Hossain MS, Siddique MZ. Does religiosity help Muslims adjust to death? a research note. *Omega (Westport)* 2008; 57(1): 113-9.
- 9- Bedir A, Aksoy S. Brain death revisited: it is not ‘complete death’ according to Islamic sources. *J Med Ethics* 2011; 37: 290-4.
- 10- Anonymous. Academy of Medical Royal Colleges. A code of practice for the diagnosis and cofirmation of death. Amazon: Millbank Media Ltd; 2008.
- 11- Miandari H. [Aya Marge Maghzi Ghatan Marg Ast?]. *Hakim J* 1998; 1(3). [in Persian]
- 12- Javadi Amoli A. [Sarcheshme Andishe].

اساس، لازم است که اثر چنین اقداماتی بر نفس هم سنجیده شود و وفق تصمیم‌گیری از توجه صرف به بُعد جسمانی فراتر رود.

قرآن کریم، تجسم علم الهی است که کنکاش در آن، ارکان مهمی را در حیطه‌های گوناگون از جمله مفهوم مرگ در اختیار می‌گذارد - هم‌چنان که به برخی از مؤلفه‌های «مفهوم‌شناسی مرگ» اشاره شد - بنابراین، عقیده‌ی برخی مبنی بر این‌که مفهوم مرگ از دیدگاه قرآن، تعریف‌نشده باقی‌مانده‌است (۱۳۳)، صحیح به نظر نمی‌رسد. گرچه همان‌طور که پیش از این آمد، تبیین مفهوم قرآنی مرگ، تنها راه را برای ملاک‌یابی و مصداق‌شناسی آن از دیدگاه قرآن کریم آسان‌تر می‌کند، لذا پژوهش در این دو حیطه برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله، حاصل برخی از نتایج طرح پژوهشی به شماره‌ی ۱۸۳۴-۱۰۶-۰۲-۱۳۹۳ است که با حمایت مالی پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شده است.

- Press; 1996, vol 4, p. 263-265, 473, 309. [in Persian]
- 26- MusaviHamedani S.M.BH. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 14, p.403-404. [in Persian]
- 27- Tayeb SA. [Atyab Al-Bayan fi tafsir Al-Quran]. Tehran: Islam; 1999, vol 11, p.309. [in Arabic]
- 28- Khosravi Hoseini SGH. [Translation of Mofradat va Alfaz Quran]. Tehran: Mortazavi Press; 1996, vol 1, p.152, 669. [in Persian]
- 29- Ghorashi SA. [Qamus Quran]. Tehran: Dar Al-kotob Al-Islami; 1992, vol 7, p.230, 234, 42. [in Persian]
- 30- Mostafavi H. [Al-tahghigh fi kalamat Al-Quran Al-karim]. Firm of translate and publish the book; 1981, vol 13, p.161. [in Arabic]
- 31- Hasanzade Amoli H. [Itehad aghel be maghul]. Tehran: Hekmat Press, 1988, p.36. [in Persian]
- 32- Ghorashi SA. [Qamus Quran]. Tehran: Dar Al-kotob Al-Islami; 1992, vol 5, p.206, 100. [in Persian]
- 33- Khosravi Hoseini SGH. [Translation of Mofradat va Alfaz Quran]. Tehran: Mortazavi Press; 1996, vol 3, p.98, 248. [in Persian]
- 34- Tamimi Amadi A. [Tasnif Ghorar Al-Hekam va Dorar Al-Hekam]. Qom: Islamic Propagation Office; 1987, p.161. [in Arabic]
- 35- MakaremShirazi N. [Tafsir Nemune]. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamie; 1995, vol 2, p.569. [in Persian]
- 36- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 3, p.324. [in Persian]
- 37- Mirzaee (Lotfi Azar) F. [Velayat, Itmam nemat]. Tehran: FekrAvaran Press; 2011, vol 2, p.200. [in Persian]
- 38- Khajavi M. [Translation of Asrar Al-Ayat]. Tehran: Mola; 2013, p.285, 282. [in Persian]
- Qom: Isra; 2007, vol 4, p.143. [in Persian]
- 13- Alavi SH. [mabanie Marg-Shenasi Va Estelzamate Tarbiati Aan Dar Quran Va Nahj Al-Balaghe]. Fasname Pajuheshgarane Farhang 2012; 11(30): 11-45. [in Persian]
- 14- Ghanbari B, Mashayekhipur MA. [Mana va Mafhume Marg-Agahi Va Asare Aan Az Didgahe Imam Ali]. Marefat Monthly magazine 2012; 21(12): 27-41. [in Persian]
- 15- Daryabeigi M. [Marg Andishi dar Sahife Sajadie]. Fasnameye Andisheye Novine Dini 2012; 8(29): 89-102. [in Persian]
- 16- Sarhill N, LeGrand S, Islambouli R, Davis MP, Walsh D. The terminally ill Muslim: death and dying from the Muslim perspective. Am J Hosp Palliat Care 2001; 18(4):251-5.
- 17- Schultz M, Baddarni K, Bar-Sela G. Reflections on palliative care from the Jewish and Islamic tradition. Evid Based Complement Alternat Med 2012; 2012.
- 18- ArbourR, AlGhamdi HM, Peters L. Islam, brain death, and transplantation: culture, faith, and jurisprudence. AACN Adv Crit Care 2012; 23(4): 381-94.
- 19- Saliba J, Sanei darebidi M. [Philosophical Dictionary]. Tehran: Hikmat; 1987, p.620. [in Persian]
- 20- Sayah A. [Academic Dictionary 2]. Tehran: Islam Press. [in Persian]
- 21- Tarihi F. [Majma Al-Bahrein]. Tehran: Mortazavi Press; 1996, vol 2, p.222, 214. [in Arabic]
- 22- RaghebIsfehiani H. [Al-mofradat fi gharib al-Quran]. Beirut: Dar Al-elm Al-dar Al-shamie; 1991, p.781. [in Arabic]
- 23- Mostafavi H. [Al-tahghigh fi kalamat Al-Quran Al-karim]. Firm of translate and publish the book; 1981, vol 11, p.197-200. [in Arabic]
- 24- Ghorashi SA. [Qamus Quran]. Tehran: Dar Al-kotob Al-Islami; 1992, vol 6, p. 302, 291. [in Persian]
- 25- Khosravi Hoseini SGH. [Tarjome Mofradat va Alfaz Quran]. Tehran: Mortazavi

- 52- Kashani MF. [Tafsir Menhaj Al-sadeghin fi Elzam Al-Mokhalefin]. Tehran: Mohammad Hasan Elmi Bookstore; 1957, vol 9, p.39. [in Persian]
- 53- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 20, p.595, 456, 309, 595, 88. [in Persian]
- 54- Ibn Arabi. [Tafsir Ibn Arabi]. Beirut: Dar Ihya Al-Toras Al-Arabi; 2001, vol 2, p.453, 292. [in Arabic]
- 55- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 19, p. 653, 585, 28, 196. [in Persian]
- 56- Shariati M.T. [Tafsir Novin]. Tehran: Publication stock company; 1967, p.310. [in Persian]
- 57- Nekoonam MR. [Sahife Eshgh]. Qom: Zohur Shafaq; 2006, p.470, 413. [in Persian]
- 58- Javadi Amoli A. [Tasnim]. Qom: Isra Press; 2009, vol 16, p.273, 511. [in Persian]
- 59- Tabarsi f. [Translation of Majma Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran; Tehran: Farahani Press; 1981, vol 24, p.169. [in Persian]
- 60- Javadi Amoli A.[The Resurrection in the Qur'an]. Qom: Isra; 2009, vol 4, p.190. [in Persian]
- 61- Hasanzade Amoli H. [Courses for self-knowledge (Doruse marefat nafs)]. Qom: Alef-Lam-Mim Press; 2006, p. 286, 570. [in Persian]
- 62- Motahari M. [The Collection of martyr Motahari `s works]. Tehran: Sadra Press, vol 27, p. 282. [in Persian]
- 63- Qomi Mashhadi M. [Tafsir Kanz Al-Daghaegh va Bahr Al-Gharaeb]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications; 1989, vol: 11, p. 302. [in Arabic]
- 64- Mirzaee (Lotfi Azar) F. [Ebtela dar Karbala]. Tehran: FekrAvaran; 2009, p. 371. [in Persian]
- 65- Nekoonam MR. [Bodily resurrection(Maad Jesmani)]. Qom: Zohur
- 39- Ardebili SA. [Imam Khomeini's pleadings of philosophy]. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini Works; 2002, vol 1, p.321. [in Persian]
- 40- Makarem Shirazi N. [Al-Amsal fi tafsir ketab allah al-monzal]. Qom: Imam Ali's School Publications; 2000, vol 9, p.26. [in Arabic]
- 41- Sadr al-motealehin. [Mafatih Al-ghaib]. Tehran: Cultural Studies and Research Institute; 1984, p.635, 432, 438. [in Arabic]
- 42- Sadr Al-motealehin. [Al-hekmat Al-moteali Fi Asfar Al-aghlie Al-arbae]. Beirut: Dar Ehya Al-toras Press; 1981, vol 9, p.277. [in Arabic]
- 43- Sadr Al-motealehin. [Al-shavahed Al-robubiat]. Mashhad: Al-markaz al-jamei le`nashr Press; 1981, p.298. [in Arabic]
- 44- DavarPanah A. [Anvar Al-Erfan fi Tafsir Al-Quran]. Tehran: Sadr; 1996, vol 9, p.31. [in Persian]
- 45- Khani R, Riazi H. [Translation of Bayan Al-sa'adat]. Tehran: Payam Noor University Press; 1993, vol 11, p.50. [in Persian]
- 46- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 2, p.372. [in Persian]
- 47- Ameli A. [Tafsir Ameli]. Tehran: Sadugh Press; 1981, vol 8, p.344. [in Persian]
- 48- Tabari A. [Jame Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran]. Beirut: Dar Al-marefat; 1991, vol 29, p.3. [in Arabic]
- 49- Hoseini Shirazi SM. [Taghrib Al-Quran ela Al-azhan]. Beirut: Dar Al-Olum; 2003, vol 5, p.494. [in Arabic]
- 50- Abolfotuh Razi H. [Roz Al-Janan va Roh Al-Janan fi Tafsir Al-Quran]. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astan Quds Razavi; 1988, vol 19, p.378. [in Arabic]
- 51- Qomi Mashhadi M. [Tafsir Kanz Al-Daghaegh va Bahr Al-Gharaeb]. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publications; 1989, vol: 13, p.401. [in Arabic]

- Dar Al-kotob Al-Islami; 1992, vol 2, p.158. [in Persian]
- 80- Tusi M. [Al-tebyan fi tafsir Al-Quran]. Beirut: Dar Ehya Al-toras Al-arabi; vol 10, p.249. [in Arabic]
- 81- Makarem Shirazi N. [Al-Amsal fi tafsir ketab allah al-monzal]. Qom: Imam Ali's School Publications; 2000, vol 19, p.361. [in Arabic]
- 82- Khani R, Riazi H. [Translation of Bayan Al-sa'adat]. Tehran: Payam Noor University Press; 1993, vol 14, p.422, 448, 60. [in Persian]
- 83- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 6, p.292. [in Persian]
- 84- Khomeini SM. [Tafsir Al-Quran Al-Karim]. Tehran: Institute for Compilation and publication of Imam Khomeini Works; 1997, p.221. [in Arabic]
- 85- Banu Isfehani SNA. [Makhzan Al-Erfan dar tafsir Quran]. Tehran: Nehzat Zanan Mosalman Press; 1982, vol 11, p.207. [in Persian]
- 86- Makarem Shirazi N. [Al-Amsal fi tafsir ketab allah al-monzal]. Qom: Imam Ali's School Publications; 2000, vol 12, p.486. [in Arabic]
- 87- Deilami H. [Irshad Al-gholub ela Al-savab]. Qom: Sharif Razi Press; 1992, vol 1, p.72. [in Arabic]
- 88- Sheikh Mofid. [Al-Irshad fi marefat Hojaj' Allah Ala Al-ebad]. Qom: Sheikh Mofid Congress; 1993, vol 1, p.17. [in Arabic]
- 89- Bohrani SH. [Al-Borhan fi Tafsir Al-Quran]. Tehran: Bonyad Besat Press; 1996, vol 5, p.644. [in Arabic]
- 90- Tayeb SA. [Atyab Al-Bayan fi tafsir Al-Quran]. Tehran: Islam; 1999, vol 14, p.92. [in Arabic]
- 91- Banu Isfehani SNA. [Makhzan Al-Erfan dar tafsir Quran]. Tehran: Nehzat Zanan Mosalman Press; 1982, vol 14, p.237. [in Persian]
- Shafaq; 2007, p.69. [in Persian]
- 66- Khani R, Riazi H. [Translation of Bayan Al-sa'adat]. Tehran: Payam Noor University Press; 1993, vol 3, p.246. [in Persian]
- 67- DavarPanah A. [Anvar Al-Erfan fi Tafsir Al-Quran]. Tehran: Sadr; 1996, vol 12, p.25. [in Persian]
- 68- Khani R, Riazi H. [Translation of Bayan Al-sa'adat]. Tehran: Payam Noor University Press; 1993, vol 13, p.27, 476, 523. [in Persian]
- 69- Tayeb SA. [Atyab Al-Bayan fi tafsir Al-Quran]. Tehran: Islam; 1999, vol 10, p.45. [in Arabic]
- 70- MakaremShirazi N. [Tafsir Nemune]. Tehran: Dar Al-Kotob Al-Islamie; 1995, vol 5, p.150. [in Persian]
- 71- Tabatabaee SM. [Al-mizan fi Tafsir Al-Quran]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1996, vol 20, p.242, 570. [in Arabic]
- 72- Qotb Ravandi. [Al-Kharaej va Al-Jaraeh]. Qom: Imam Mahdi School Press; 1989, vol 2, p.812. [in Arabic]
- 73- Gonabadi SM. [Tafsir Bayan Al-sa'adat fi maqamat Al-ebad]. Beirut: Moassese Al-Alami lel'matbuat; 1988, vol 3, p.61. [in Arabic]
- 74- Qomi A. [Tafsir Al-Qomi]. Qom: Dar Al-ketab; 1988, vol 1, p.367. [in Arabic]
- 75- Khani R, Riazi H. [Translation of Bayan Al-sa'adat]. Tehran: Payam Noor University Press; 1993, vol 7, p.685, 388. [in Persian]
- 76- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 12, p.24. [in Persian]
- 77- Sadr Al-Motealehin. [Asrar Al-Ayat]. Tehran: Forums of Wisdom and Philosophy; 1981, p.91. [in Persian]
- 78- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 16, p.376. [in Persian]
- 79- Ghorashi SA. [Qamus Quran]. Tehran:

- Teachers of Qom Press; 1995, vol 17, p.117, 483. [in Persian]
- 106- Sadr al-motealehin. [Tafsir al-quran al-karim]. Qom: Bidar Press; 1987, vol 5, p.71. [in Arabic]
- 107- Bohrani SH. [Al-Borhan fi Tafsir Al-Quran]. Tehran: Bonyad Besat Press; 1996, vol 4, p.572. [in Arabic]
- 108- Tabarsi F. [Mokhtasar Majma Al-Bayan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1993, vol 3, p.10. [in Persian]
- 109- Deilami H. [Irshad Al-gholub ela Al-savab]. Qom: Sharif Razi Press; 1992, vol 2, p.309. [in Arabic]
- 110- Khaje Nasir Al-din Tusi. [Aghaz va anjam]; Tehran: Publications of Culture and Islamic Guidance; 1995, p.88, 37, 161. [in Persian]
- 111- Sadr Al-motealehin. [Al-mabda va alma'ad]. Tehran: Association of Iran Wisdom and Philosophy; 1975, p.410. [in Arabic]
- 112- Babae AA. [Bargozide Tafsir Nemune]. Tehran: Dar Al-kotob Al-Islami; 2003, vol 4, p.111. [in Persian]
- 113- Mirdamad MB. [Al-Qabasat]. Tehran: Tehran University Press; 1988, p.180. [in Arabic]
- 114- Hasanzade Amoli H. [Ganjine gohar ravan]. Tehran: Tuba Press, 2008, p.56. [in Persian]
- 115- Taherzade A. [Ma'ad, Bazgasht be jedditarin zendegi]. Isfahan: Lob Al-mizan; 2007, p.30, 26. [in Persian]
- 116- Mostafavi H. [Al-tahghigh fi kalamat Al-Quran Al-karim]. Firm of translate and publish the book; 1981, vol 4, p.341. [in Arabic]
- 117- Moqnie MJ. [Translation of Tafsir Kashef]. Tehran: Dar Al-kotob Al-Islami; 2003, vol 6, p.19. [in Persian]
- 118- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 7, p.121. [in Persian]
- 119- Mostafavi H. [Al-tahghigh fi kalamat Persian]
- 92- Ghorashi SM. [Tafsir Ahsan Al-Hadis]. Tehran: Bonyad besat Press; 1998, vol 11, p.478. [in Persian]
- 93- Mostafavi H. [Al-tahghigh fi kalamat Al-Quran Al-karim]. Firm of translate and publish the book; 1981, vol 8, p.20. [in Arabic]
- 94- Tarihi F. [Majma Al-Bahrein]. Tehran: Mortazavi Press; 1996, vol 6, p.107. [in Arabic]
- 95- Mostafavi H. [Al-tahghigh fi kalamat Al-Quran Al-karim]. Firm of translate and publish the book; 1981, vol 6, p.200. [in Arabic]
- 96- Taleqani SM. [Partovi az Quran]. Tehran: Publication stock company; 1983, vol 3, p.229. [in Persian]
- 97- Nekoonam MR. [Modern philosophy]. Qom: Zohur shafaq; 2006, p.85. [in Persian]
- 98- Mostafavi H. [Al-tahghigh fi kalamat Al-Quran Al-karim]. Firm of translate and publish the book; 1981, vol 12, p.79, 220. [in Arabic]
- 99- Tayeb SA. [Atyab Al-Bayan fi tafsir Al-Quran]. Tehran: Islam; 1999, vol 13, p.370. [in Arabic]
- 100- Sheikh Saduq, Sheikh Mofid. [Iteqadat Al-Imamie va Tashih Al-Iteqad]. Qom: Sheikh Mofid Congress; 1993, vol 1, p.52. [in Arabic]
- 101- Seyyed Ra'zi. [Nahj Al-Balaqe]. Qom: Hijrat Press; 1993, p.219. [in Arabic]
- 102- Samih D. [Musuat Mostalihat Al-Imam Fakhr Al-din Al-Razi]. Beirut: Maktabat Lobnan Nasherun; 2001, p.118. [in Arabic]
- 103- Hasanzade Amoli H. [A thousand words (Hezar o yek kalame)]. Qom: Bustan ketab Press; 2002, vol 2, p.63. [in Persian]
- 104- Shahgoli A. [The cause of death From the viewpoints of Ibn Sina and Mola' Sadra]. Aeine Marefat 2013; 10(31). [in Persian]
- 105- Musavi Hamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary

- 127- Sadr al-motealehin. [Tafsir al-quran al-karim]. Qom: Bidar Press; 1987, vol 6, p.133. [in Arabic]
- 128- Strong CB. Death Criteria: Social, Religious, and Clinical Considerations on What It Takes to Die. A Thesis Submitted to the Faculty of Baylor University In Partial Fulfillment of the Requirements for the Honors Program [dissertation]. Waco, Texas; 2014.
- 129- Mobasher M, Aramesh K, Zahedi F, Nakhaee N, Tahmasebi M, Larijani B. End-of-life care ethical decision-making: Shiite scholars' views. *J Med Ethics Hist Med* 2014; 7: 2.
- 130- Peteet JR, Balboni MJ. Spirituality and religion in oncology. *CA Cancer J Clin* 2013; 63(4): 280-9.
- 131- Zahedi F, Larijani B, Tavakoli bazaz. Ethical issues in end of life care in Islamic point of view. *Iran J Allergy Asthma Immunol* 2007; 5-15.
- 132- Shemie SD, Hornby L, Baker A, et al. The international guideline development for determination of death. *Intensive Care Med* 2014; 40(6): 788-97.
- 133- Sachedina A. *Islamic BioMedical Ethics*. Oxford: University Press; 2009, p. 146
- Al-Quran Al-karim]. Firm of translate and publish the book; 1981, vol 5, p.264. [in Arabic]
- 120- MusaviHamedani SMB. [Translation of Al-Mizan]. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Press; 1995, vol 10, p.12. [in Persian]
- 121- Hoseini Shah Abd Al-azimi H. [Tafsir Isna ashari]. Tehran: Miqat Press; 1984, vol 8, p.450. [in Persian]
- 122- Sadr al-motealehin. [Tafsir al-quran al-karim]. Qom: Bidar Press; 1987, vol 5, p.399. [in Arabic]
- 123- Tabarsi F. [Majma Al-Bayan fi Tafsir Al-Quran; Tehran: Farahani Press; 1981, vol 5, p.277. [in Persian]
- 124- Sadeghi Tehrani M. [Al-Balaq fi tafsir Al-Quran Be Al-Quran]. Qom: Sadeghi Tehrani Press; 1998, p.92. [in Arabic]
- 125- Hoseini Hamedani SMH. [Anvar Derakhshan]. Lotfi Bookstore; 1983, vol 16, p.400. [in Persian]
- 126- Khani R, Riazi H. [Translation of Bayan Al-sa'adat]. Tehran: Payam Noor University Press; 1993, vol 9, p.71. [in Persian]

A discussion on some ontological components of death in Holy Quran

Bagher Larijani¹, Mina Mobasher², Samaneh Tirgar^{*3}, Farzaneh Zahedi Anaraki³, Soodeh Tirgar⁴, Farideh Shariati⁵, Banafsheh Karimi⁶, Fatemeh Mirzaei (Lotfi Azar)⁷

¹Professor, Medical Ethics and History of Medicine Research Center, and Endocrinology and Metabolism Research Institute, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;

²Assistant Professor, Department of Medical Ethics, Faculty of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran;

³MD, Medical Ethics Unit, Endocrinology and Metabolism Research Center, Endocrinology and Metabolism Clinical Sciences Institute, and Medical Ethics and History of Medicine Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran;

⁴MSc Student;

⁵Bs in Fegh, University of Imam Sadegh, Tehran, Iran;

⁶Dentist, Researcher;

⁷Researcher and lecturer in Quran and Islamic Science.

Abstract

It is universally acknowledged that death is a complex concept and different factors such as complicated philosophical ideas, contradictory descriptive approaches, and diversity in interpretations add to this complexity. Although a thorough understanding of the notion of death is important for everyone, this concept is of crucial importance to health care providers as they face enormous ethical challenges in the course of their careers. A few instances are controversial issues such as brain death, euthanasia and end-of-life care, where it seems essential to define a set of robust criteria for death. On the other hand, it can be argued that death is not a scientific concept and only different branches of medicine can provide a framework to clarify the subject of death. Therefore, it could be argued that theological approaches may shed some light on this concept. In this article, we aim to extract ontologic components of death mentioned in the Holy Quran, and will move on to propose a set of 12 criteria for death. This may help provide a clear understanding of the concept from the point of view of the Holy Quran, although more research is warranted to further illuminate this complex subject.

Keywords: death, ontology, Quran, end of life, medical ethics

¹ *Email: s-tirgar@farabi.tums.ac.ir